

البته بنده هم تصدیق میکنم همیشه شخصی که می خواهد معامله بکند خصوصاً اگر طرف مقابل او که معامله کننده است يك آدم زیرک و بصیری باشد و فروشنده آن اطلاعات کافی را خودش نداشته باشد و مجبور باشد از عمر و زیند و اجنبیان تحقیق بکند باید سوه ظن داشته باشد ولی البته باید يك راهی هم فکری کرد که این سوه ظن بالاخره وجه حلی داشته باشد و الا اگر این مسئله را در نظر بگیریم همان طور که فرمودند بهتر این است که این احتکار را خودمان بکنیم و در این صورت برمی گردد بآن نظری که بنده در جواب آقای داور ذکر کردم و بعد آقای زنجانی درست اظهارات بنده را تغییر نکردند - بنده آن شب عرض کردم موافقم با اشتضایک که این عقیده را داشته باشند که ممکن است ما این منابع ثروت را زیر زمین بگذاریم در صورتی که امنیت داشته باشیم برای اینکه امیدوارم و بیش بینی باید کرد که برای ۵۰ سال و چهل سال بعد خودمان آن اطلاعات را که از دیگران می خواهیم داشته باشیم آقای زنجانی تصور فرموده بودند که بنده معترضاً بآقای داور این عرض را کردم ولی مقصود من این بود که یکی از دو کار را باید کرد یا باید آن سیاست را اتخاذ کرد یا اگر آن سیاست را اتخاذ نکردیم و دادن امتیاز را در نظر گرفتیم باید يك وجه حلی برایش پیدا شود که هم از نقطه نظر ماده ششم مقصود انجام پیدا کند یعنی هم مطلب را از عملی بودن خارج نکند و هم جلوی این سوه ظن ها و بیش بینی ها را که برای آتیه می شود بگیرد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در این امتیازنامه می نویسد چاهها بردو قسم است يك چاههای اکتشافی است و يك چاههایی است که از آنها استخراج نفت می شود برای چاههای اکتشافی در این جا فقط يك کلمه اشاره می کند در صورتیکه باید بالصراحه معلوم شود که بطور کامل حفر شده و مایوس شده است از این جا معلوم می شود ممکن است شروع حفر چاه بشود ولی آن چاه بی فایده و بی مصرف باشد بعد از چندی از آن صرف نظر کنند و بچاه دیگری بپردازند در این ماده می گوید در ظرف شش سال اول شروع حفر چاه میکنند و این ۳ چاه ممکن است پس از شروع خاتمه پیدا کند و ممکن است خاتمه پیدا نکند بعد از آن می گوید هر دو سال یکچاه حفر شود گمان می کنم در این عبارت يك اشتباهی شده است زیرا در آن شش سال اولی فقط شروع حفر چاه است و این عبارت می رساند که بعد از شش سال هر دو سال باید یکچاه حفر کند آنوقت حاصل تمام آن می شود ۲۲ چاه نه ۲۵ چاه اگر گفته

بودیم در شش سال اول حفر سه چاه را ملتزم است این عبارت درست بود ولی می نویسد شروع حفر چاه نه حفر چاه ممکن است چاه را بکند و بعد از ده ۱ ذرع معلوم شود بی ثمر است در این صورت نمی شود گفت این چاه نفت است ماده دوم هم دلالت بر این مطلب می کند اگر چنانچه در ظرف ۳ سال چند چاه را حفر کرد و معلوم شد بقدر کفایت ندارد آنوقت می تواند کتباً آنرا بدولت ابلاغ کند از این جا معلوم می شود شروع حفر چاه است نه چاه کامل نکته دیگر این که در همان امتیاز لاقبل میزان ششصد هزار دلار را در ظرف شش یا هشت سال برای مصارف و مخارج معین کرده است این جا اورا هم معین نکرده اند فقط نوشته اند در ظرف شش سال شروع حفر ۳ چاه بنماید ممکن است در خارج دوست هزار تومان برای شروع حفر چاه خرج کرده باشند اینها می گوید ششصد هزار دلار در این مدت باید خرج کند عوض اینکه این ماده بهتر شده باشد بعقیده بنده بدتر از آن ماده سابق شده است و برای دولت ایران لاقبل آن صورت که ششصد هزار دلار خرج کند بهتر از این است که شروع حفر ۳ چاه بکند آنهم معلوم نیست بچه میزان و بچه اندازه باید خرج کند

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است) (پیشنهادات بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم دو سطر اول ماده شش این طور نوشته شود صاحب امتیاز باید در ظرف شش سال از تاریخ تصویب امتیاز در بهترین اراضی منتخبه دو چاه حفر نماید .

(اقبال السلطان)

سید فاضل کاشانی پیشنهاد می کند که بجای ماده ۶ راپورت کمیسیون امتیاز همان ماده ۷ پیشنهادی دولت نوشته شود. بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل ضمیمه ماده (۶) شود

تبصره - صاحب امتیاز مکلف است اراضی منتخبه را ۲۵ سهم مساوی نموده در رأس هر دو سال مازاد آن سهمی که عملیات نفتی در آن شروع شده برای استفاده اتباع ایران آزاد گذارد و در صورتی که دولت بخواهد امتیاز استخراج نفت آن را بخارج دهد صاحب امتیاز حق تقدم دارد و بعد از او بکمیانی های آمریکائی حائز بر داده

بنده پیشنهاد می کنم که بعد از جمله یافت شود نوشته شود صاحب امتیاز پس از تکمیل حفريات هر چاهی پس از ۳ سال حق استفاده از آن چاه ندارد و پس از ۴ سال باید سرچاه را پوشانده و بحال خود واگذارد و نیز باید حفر چاه را در موقعی بکند که مطابق تصدیق متخصصین فنی نفت خیز و قابل حفر چاه باشد

شیخ الاسلام اصفهانی

بنده پیشنهاد می کنم : بجای جمله ( و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز ) اینطور نوشته شود ( و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز عملیات خود را بلا انقطاع تعقیب و امور را چه به آنرا باید با سرعت لازم تعقیب نماید ) مگر آنکه متخصصین فنی تشخیص دهند یا بیش بینی کنند که هایدات کمیانی نسبت بسرمایه و مخارج کمتر از صدی دوازده خواهد بود .

محمد هاشم میرزا

پیشنهاد می نمایم جمله اولی ماده (۶) بترتیب ذیل نوشته شود .

ماده ۶ - صاحب امتیاز باید در ظرف شش سال از تاریخ تصویب امتیاز شروع حفر سه چاه نموده عملیات خود را در سه چاه خاتمه دهد

(حاج سیدالمحققین - علیه محمدالحسینی) این بنده پیشنهاد می کند که ماده ششم بترتیب ذیل نوشته شود :

( صاحب امتیاز باید در ظرف شش سال از تاریخ تصویب امتیاز سه چاه نفت خیز دائر نموده و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز باید عملیات خود را بلا انقطاع تعقیب و در هر دو سال لاقبل يك چاه نفت خیز حفر نماید حفر چاهها و عملیات را چه بآن را باید با سرعت لازم تعقیب نموده و برضایت دولت بمعقی که کمتر از دو هزار یا نباشد چاهها را حفر نماید مگر اینکه در عمق کمتری نفت بمقدار تجارتي یافت شود چاهها باید همیشه دائر بوده و نفت بدهند و هر گاه یکی از چاهها خشک شود کمیانی متعهد است علاوه بر چاههای موجود فوراً شروع حفر چاه جدیدی کند که جبران چاه خشک شده را بنماید .

هر گاه قیمت نفت در بازار بین المللی تنزل فاحش کند کمیانی می تواند با تصویب وزارت قوایده عامه حفر چاههای جدید را بتعویق اندازد صاحب امتیاز بدولت راپورت ها و نقشه های لازم را تقدیم خواهد کرد که تمام چاههایی را که حفر آنها (الح)

علی اکبر داور

رئیس - بقیه مذاکرات می ماند برای روزخوبه .

دستور هم - اولاً لایحه امتیاز نفت ثانیاً پیشنهاد راجع بمعمولین حقوق .

آقای سلیمان میرزا

( اجازه )

سلیمان میرزا - بنده می خواهم تقاضا کنم چون از قانون استخدام سه چهار ماده بیشتر باقی نمانده اگر آقایان موافقت می فرمایند در جلسه روز شنبه آن چهار ماده هم مطرح و بعد از شور در کلیات آن قانون استخدام تمام شود

رئیس - مخالفی نیست ؟ ( اظهاری نشد )

رئیس - جزو دستور می شود

آقای نصرت الدوله ( اجازه )

نصرت الدوله - بنده می خواهم عرض کنم چند فقره بودجه است که طبع و توزیع شده و راپورتش داده شده ولی بيك مناسباتی تعقیب نشده مثلاً بودجه وزارت امور خارجه و بودجه عدلیه

بودجه وزارت داخله هم فردا با پس فردا طبع و توزیع می شود می خواهم استدعا کنم بيك وقتی رامثل سابق مخصوص بودجه هامقرر فرمائید که بودجه ها هر چه زودتر بگذرد

رئیس - بودجه وزارت خارجه را وزیر امور خارجه تقاضا کرده اند که بماند و بودجه عدلیه را هم مجلس بکمیسیون مراجعه داده هر وقت لازم دانست جزو دستور می شود آقای اقبال السلطان ( اجازه )

اقبال السلطان - عقیده بنده این است که قانون استخدام در جلسه آتیه مطرح شود و بهتر این است که برای جلب عقیده دکتر مجلسیو رئیس کل مالیه فرستاده شود که در اطراف آن قانون مطالعه کند و اگر ...

( همه بین نمایندگان )

( در این وقت آقای اقبال )

السلطان جلوس نمودند )

( مجلس یک ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۱۷۵

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه پنجم ربیع الثانی

۱۳۴۱ مطابق سوم قوس ۱۳۰۱

مجلس دوساعت قبل از ظهر ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید صورت جلسه یوم پنجشنبه اول قوس را آقای امیر ناصر قرائت نمودند .

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )

محمد هاشم میرزا - اینکه در صورت جلسه نوشته شده است بنده عرض کرده ام صد دوازده نسبت بسرمایه تنها عرضی نکرده بودم صد دوازده نسبت بسرمایه و مخارج خوب است مخارج هم اضافه شود و عرض هم نکرده بودم لایتنقطع کار کند عرض کردم همانطور که در پیشنهاد نوشته شده است بهمان ترتیب کار کند و فقط عرضم در صد دوازده سرمایه و مخارج بود .

نایب رئیس - آقای آشتیانی ( اجازه )

آقای میرزا ابراهیم آشتیانی - بنده روز پنجشنبه را بواسطه کسالت نتوانستم شرفیاب شوم و شرحی هم بمقام ریاست عرض کرده بودم .







پس خواه این ماده باشد خواه نباشد اثری در تصدیقات مستخدمین و حقوق اشخاص نخواهد داشت و نفی و اثبات این ماده علی السویه است و چون قانون شورای دولتی تمام و حاضر شده و اگر آقایان جزو دستور فردا قرار دهند قبل از حد تمام خواهد شد و تکلیف این مظلومین کمی فرمایند چه خواهد بود معلوم خواهد شد لاجرم و اثبات این ماده همانا از روی نخواهد داشت و اگر ما این ماده را فعلاً باقی بگذاریم البته در آن موقع که بقانون شورای دولتی رأی می دهند بطبعاً این ماده لغو خواهد شد در این صورت ما دیدیم که اگر قانون شورای دولتی بگذرد این اشخاص زودتر بحق خودشان خواهند رسید تا در اینجا زیرا در آنجا این مواد بطور روشن تر و ا کامل نوشته شده و در قانون شورای دولتی مطالبات کامل شده آقایان نصرت الدوله رئیس کمیسیون شورای دولتی هستند و مدرس و حاج شیخ اسدالله در کمیسیون تشریف داشته و چون دیدیم عین این مواد در قانون شورای دولتی کاملاً نوشته شده و در موقع خود رأی خواهند داد دیگر وجود این ماده را لازم ندیدیم حالاً اگر آقای آقا سید فاضل که یکی از پیشنهاد کنندگان هستند باین توضیحات بنده قانع شدند که هیچ والا مطابق قانون حق دارند پیشنهاد کنند

**آقا سید فاضل** - بفرمائید  
**نایب رئیس** - بفرمائید  
**آقا سید فاضل** - این ماده دو جهت را شامل است یک قسمت معاً که اداری مستخدمین دولت است نهایت این است که در ضمن ماده بعد از مذاکرات زیاد در مورد اول بنماید که اگر مستخدمین در عین انجام وظیفه یک تمهیداتی و مطالبی بر مردم گردد و از دوسه کشف شد یا خود مستخدمین اقرار کرد یا در صورتی که متظلم حکمت این معکه اداری را قبول کند و در این سه مواد معکه باید آن ظلمی را که بآن شخص شده جبران کند این بود که بنده پیشنهاد کردم این ماده بجای خود باقی باشد و حقیقتاً دست برداشتن بخیال موهوم از این ماده در این قانون استعدای که باین طول و تفصیل و با یک نظریات وافی نوشته شده می - گذرد صحیح نیست و قانون شورای دولتی هم متعرض این ماده نخواهد بود و این قانون هم بعد از ماده ۳۷ یک ماده که معاً که اجزاء اداری را شامل باشد واجد نیست پس شایسته نیست که در یک همچو قانونی یک ماده راجع به معاً که اجزاء ادارات نباشد و خوب است در حق مستخدمین اداری و مردم تفضل بفرمائید و عبارتی و متوقفاً این ماده را با این اصلاح که این معکه معکه اداری است و حقوقی نیست

در این قانون ابقا کنند نهایت در آن سه مورد که بنده عرض کردم یکی در موقعی باشد که در ضمن معاً که اداری تمدی و اصحاف مستخدمین از دوسه کشف شود تا بنای اینکه خود مستخدم مراتب را اقرار کنند تا آنوقت که مدعی حکمت آن معکه را قبول کنند که هر چه این معکه اداری داد قاطع دعوی باشد و در اینصورت تصور می کنم که بهتر حفظ حقوق مردم شده باشد و البته وقتی که در قانون شورای دولتی این مطلب جامه متروا و احسنتر نوشته شد این ماده بطبعاً لغو خواهد شد این است که بنده جداً از آقایان اعضاء کمیسیون تقاضا می کنم بر مردم ترحم فرموده و این پیشنهاد بنده را در ابقا این ماده قبول فرمائید

**نایب رئیس** - آقای مساوات ( اجازه )  
مساوات - جهت اینکه کمیسیون این ماده را استرداد داشت این بود اقتلا آقایان خیلی میل دارند این مطلب اینجا نوشته شود بنده هم بدو طرفدار این مسئله بودم ولی بعد دیدیم که آقایان یک کاری می خواهند بکنند که صحیح نیست زیرا دیدیم که اگر بخواهیم رسیدگی مسائل حقوقی را بمعکه اداری واگذار کنیم این معکه اداری که معاً که اداری قضا می نیست معکه قضائی می بایستی در امور حقوقی مداخله کند چنانچه خودتان در مسئله جزائی رأی دادید که معاً که اداری ببدلیه مراجعه شود اما در مسئله حقوقی اینطور پافشاری می کنند که همان معکه اداری رسیدگی کند و چون باید در موقع قانون گذاری تمام اطراف مسئله را ملاحظه کرد از این جهت عرض می کنم اینکار غلط است و نبودن این مسئله در قانون استخدام بهتر از بودن آن است که قوه مجریه را در امور قضائی دخالت بدهیم این بود که کمیسیون صلاح ندانست و این ماده را حذف کرد و در قانون شورای دولتی این مسئله بطور کامل نوشته خواهد شد

آقا سید فاضل - حالاً که آقایان مغالفت می کنند بنده اصراری ندارم و پیشنهاد خود را پس می گیرم  
**نایب رئیس** - ماده ۳۱ قرائت می شود  
( بمضمون ذیل قرائت شد )  
برای رسیدگی بتصدیقات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و معاً که اداری در تحت نظرو زیربیا معاون او تشکیل می شود مجلس مزبور مرکب خواهد بود از سه نفر از اعضاء وزارت متبویه مستخدم مظلون اهم از متصدیان خفل و یا منتظرین خدمت مشروط بر اینکه رتبه آنها از رتبه مظلون کمتر نباشد و در صورت عدم کفایت عده اعضاء لازمه در خود وزارت خانه با رعایت شرط مزبور فوق از اعضاء

وزارتخانه دیگر تکمیل می گردد  
مغیر - بنده برای اینکه آقایان مسبوق شوند لازم است توضیحی عرض کنم چون همه آقایان قبول داشتند که اعضاء سه نفر باشند در مجلس معاون وزارت مالیه تقاضا کرد این سه نفر را پیشنهاد کنند و در اینجا مذاکرات شد و قبول نکردید این بود که برگشت بکمیسیون و کمیسیون هم همان سه نفر را تصویب کرد  
**نایب رئیس** - رأی می گیریم بماده ۳۱ آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید  
( عده کثیری قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
ماده الحاقیه آقایان فیوضات و معتدالتجارت در کمیسیون قابل توجه نگردیده قرائت می شود  
( بمضمون ذیل خوانده شد )  
ماده الحاقیه آقایان فیوضات و معتدالتجارت در کمیسیون مطرح و مورد تصدیق واقع نگردید  
**نایب رئیس** - آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - پیشنهاد آقایان این است .  
ماده الحاقیه - برای رسیدگی بدوسه اعمال گذشته مستخدمین که در موقع اجرای این قانون مطابق ماده ۶۶ مستخدم رسمی محسوب خواهند بود کمیسیون در تحت نظر مجلس شورای ملی در خارج تشکیل می شود و پس از تصدیق این کمیسیون رسمیت مستخدمین مذکور تعیین خواهد شد  
لکن چون کمیسیون این پیشنهاد را عملی ندانست قبول نکرد  
**نایب رئیس** - در این خصوص کسی مخالف نیست  
( اظهاری نشد )  
**نایب رئیس** - ماده الحاقیه راجع بملبوس و وطنی مستخدمین مطرح است و برای استحضار آقایان هم عرض می کنم که بعضی نوشتهجات هم از طرف اشخاص متفرقه راجع باین موضوع رسیده است که این مسئله قابل اجراء است  
قسمت اخیر ایرت کمیسیون راجع باین موضوع شرح ذیل قرائت شد  
پنجم راجع بماده الحاقیه نسبت به ملبوس مستخدمین کمیسیون استخدام چون این ماده را مناسب با ماده استخدام نمی داند لهذا با ماده موافق نبوده و راجع به مجلس می نماید  
( مغیر کمیسیون استخدام زنجانی **نایب رئیس** - آقای کازرونی با پیشنهاد موافقت ؟  
**آقای میرزا علی کازرونی** - بلی موافقت .  
**نایب رئیس** - آقای حاج اسدالله

موافقت با مخالف ؟  
**حاج شیخ اسدالله** - بنده باز موافقت .  
**نایب رئیس** - آقای آقا سید فاضل بطور .  
**آقا سید فاضل کاشانی** - بنده خیلی سخت موافقت .  
**نایب رئیس** - آقای جلیل الملک ؟  
**جلیل الملک** - مخالفم  
**نایب رئیس** - بفرمائید  
**جلیل الملک** - البته همه ما ماوار فرد ایرانی مایل است که امتعه و منسوجات ایرانی رواج یافته و محل احتیاجات داخله و خارجه بشود در این مسئله ابداً ترویجی نیست ولی در موقع قانون گذاری باید تمام اطراف و جوانب را باید ملاحظه کرد و موادی را که تصویب می کنند باید با قانون یک مناسباتی داشته باشد و بنده از چندین جهت باین مسئله مخالفم  
اولاً در این معیت وارد نمی شوم اینکه هنوز منسوجات ایرانی وطنی برای البسه مکفی نیست برای این که خود آقایان هم که ملیس بلباس داخله نیستند باین ملاحظه است که می دانند هنوز البسه وطنی بقدر کفایت برای مردم نیست دیگر اینکه این قانون فصل اول شرایط استخدام را معین می کند آیا این ماده الحاقیه راجع به منسوجات وطنی در جزو این فصل است ؟  
یکی از شرایط استخدام تبعه ایران بودن و دیگری دارای فلان مقدار معلومات بودن است آقایان می خواهند جزو کدام از شرایط این ماده را قرار دهند ؟ آیا جزو تکالیف است یا شرط استخدام است ؟ زیرا ممکن است یک نفر مستخدم در موقعی که می خواهد داخل در استخدام شود فلان لباسش را دارا باشد و بعد که وارد شد لباس را بپوشد چون جزو فصل اول محسوب می دارند و فصل دوم هم ارتقا رتبه است فصل سوم حقوق تقاعد است اینهم وظایف تقاعدی است هیچ ربطی ندارد فصل چهارم هم معکه مجازات و مکافات است این هم ربطی ندارد فصل پنجم از مواد استعجاله است که مامورین امروزه وارد و مشمول باین قانون بشوند و این هم یک ماده نیست که مربوط بکارها باشد پس بنده هر چه فکر کردم و در کمیسیون مذاکره نمودم دیدم مربوط به هیچ یک از اینها نیست اشکال دیگر هم این است که از چه نقطه نظر این قانون وضع میشود لابد آقایان در جواب خواهند فرمود از نقطه نظر اینکه از بیت المال مسلمین و از خزانه دولت حقوق می گیرند لهذا مجبورند لباس وطنی بپوشند احساسات حب وطن مربوط به قانون گذاری نیست بنده عرض می کنم اگر مقصود بپوشیدن است که آقای جلیل الملک فرمودند که

چرا این ماده پیشنهادی منحصر بمستخدمین دولت باشد باید شامل تمام اشخاصی باشد که از بیت المال مسلمین حقوق می گیرند مثلاً وزیر که ماهی هزار تومان می گیرد نباید مکلف باشد که لباس وطنی بپوشد و آن ثبات که ماهی سی تومان می گیرد بایستی حتماً لباس وطنی استعمال کند در هر صورت بنده عقیده ام این است که اگر از نقطه نظر این است که از خزانه دولت پول می گیرند بنده پیشنهاد می کنم که عموم اشخاصی که از خزانه دولت حقوق یا شایسته بهره عنوان می گیرند حتی شخص سلطان هم که پول از خزانه دولت می گیرد بایستی لباس وطنی استعمال کند و این مسئله یکی از شرایط بپوشیدن باشد و این پیشنهاد یک لایحه قانونی می شود که همه رأی باید بدهیم ولی منحصر نکنیم به مستخدمین بپوشیدن اداره مشغول زحمت است اگر کفش او ایرانی نباشد مورد اعتراض باشد ولی فلان شخص بیکار که در ماه سیصد تومان از دولت حقوق می گیرد نباید کفش او ایرانی باشد و باید اشخاص را که حتی الامکان از خزانه دولت عموماً بلااستثناء حقوق می گیرند در تحت یک لایحه عمومی قید کنند که تمام باید لباس وطنی استعمال کنند و باین لحاظ بنده در کمیسیون هم مخالف بوده و قبول نگردیدم این شرط را برای یکمده بکنیم در صورت که میتوان آن شرط را بسایرین هم تعمیم کرد .  
**نایب رئیس** - آقای کازرونی ( اجازه )  
**آقای میرزا علی کازرونی** - بنده از اظهارات آقای جلیل الملک نه تنها مغالفتی ندیدم بلکه بوی موافقت هم استشمام کردم فرمایش ایشان این است که چرا این قانون شامل حال دیگران نباشد بنده هم با فرمایش ایشان موافقت می اشخاص که از خزانه دولت ارتزاق می کنند اسباب خرابی مملکت را ایجاد نکنند چطور خرابی را ایجاد نکنند عرض میکنم بجهت اینکه امروز اقتصاد بیکانه راه حیات و برقراری ملل واقع شده هر ملتی که احتیاجش کمتر است حیاتش و ثروتش بیشتر است امروز یک ملاحظه و مراجعه بفرمائید واردات ما نسبت بصادرات می بینند که ما باید واردات را بکلی ترک کنیم نه تنها نظر بمستخدم داشته باشیم بلکه بنده چنین تصور می کنم که این مسئله بهترین وسیله است که اشخاصی که دارای مقام عالی و سمت مهمی هستند لباس وطنی بپوشند و این سبب می شود که منسوجات وطنی کم کم طایب و خریداری پیدا می کند و مردم را وارد می نماید بصحیل کارخانه ریسمان بافی و پیشمیرسی که خودشان لباس تهیه کنند که کم کم کمرقح احتیاج از خارجه شده باشد نهایت این است که آقای جلیل الملک فرمودند که

پیشنهاد می کنند سایرین هم همینطور باشند من هم استدعا میکنم کخیلی زودتر باین امر مبادرت کنند که ما هم با کمال امتنان مبادرت باخذ عقیده ایشان خواهیم نمود و لکن عجالاً چون قانون استخدام مطرح است مانعاً الجمع نیست که باینها رأی بدهیم و در موقعش پیشنهاد عمومی بشود در آن رأی می دهیم و اعضاء معترم کمیسیون هم با مادر این قسمت موافقت خواهند نمود و یک موقت فوق العاده برای ترویج منسوجات وطنی برام پیدا خواهد شد بعضی از آقایان اظهار فرمودند که تهیه منسوجات بقدر کفایت برای ما ممکن نیست بنده عرض می کنم و اطمینان می دهم که اگر خریدار باشد هم ارزان تروهم بقدر کفایت از منسوجات وطنی داریم و اگر تصور می فرمائید که بخلاف و افرای عرض می کنم تشریف ببرید بی بازار منسوجات یزد و اصفهان و کرمان و سایر نقاط را به بینند و مقایسه کنید با منسوجاتی که از از خارجه می آورند آن وقت تصدیق خواهید فرمود هم دوامش بیشتر است و هم قیمتش ارزان تر است و نزدیک باقتصاد همه است و هم اهلی دارد و هم وسط .

**آقای جلیل الملک** فرمودند که این ماده با سن مستخدم و لباس مستخدم مناسبت ندارد بنده هم عرض می کنم سن مستخدم با علم او مناسبت ندارد و باید سن مستخدم را هم حذف کنیم و همچنین علم و سایر شرایط را هم باید حذف کنیم و این نظری که برای مستخدمین در این قانون در نظر گرفته شده خودش شرط مستقلی است و هیچ لازم نیست ملحق بماده دیگری باشد بنده هیچ مانع و معطوری نمی بینم و خیلی حیفم می آید که یک چنین موقعی را از دست بدهم  
**آقای جلیل الملک** فرمودند که مستخدمین می خواهند بروند در ادارات مشغول کار بشوند اگر لباس وطنی یا کفش وطنی استعمال کنند یاها پیشان زخم می شود و اسباب زحمت آنها است بنده عرض میکنم یک نظری بردمانی که از صبح تا شام بپوش می زنند و چهار فرسخ راه می روند بکنند و به پیشان با همان کفش وطنی و با همان لباس وطنی که یاها پیشان مثل پای من است و وطن آنها وطن من و جناب عالی است راه می روند و چهار واداری و بدبختی می کنند ولی این مستخدم از خانه اش با دانه می آید و یک صندلی تشکر را هم اغفال میکنند و ناظر در اداره می ماند ظهر هم با کمال نزاکت صدای زنگ که بگوشش رسیده رک کرده می رود نه از میل می کند و بعد از مدتی برمی گردد و چندانی مبارکش جرات وارد نمی آید و حالا فرض می کنیم و فرض محال هم محال نیست مجبور شد این آقا کرباس بپوشد این عیب نیست بلکه افتخار

ما در این است و باید همیشه این آقا افتخار کند که اولاً مستخدم دولت است و ثانیاً لباس وطن بپوشیده است از این جهت بر سایرین رجحان دارد و هر کس طالب شرف است و می خواهد شرافتمند باشد بایستی مثل من لباس وطن بپوشد اگر مستخدم دولت هم نیست لااقل باین شرافت قائل شود که لباس وطن استعمال کند و بالاخره عرض می کنم که هر طور لباس خوب دیده گران و ارزان در مملکت ما یافت میشود و ما باید کاری بکنیم که اسباب تقلیل واردات در مملکت ما بشود که صرفه بحال ملت و مملکت باشد  
مغیر - توجه بفرمائید بنده عرض می کنم هر کس می گوید تمام ایرانیان اگر بخواهند لباس وطن بپوشند کفایت نمی کند اشتباه میکنند برای اینکه سابق چه میکردند ؟ احتیاج بعد کفایت میرساند اگر کم است زیادش می کنند اگر خوب نیست دقت کنند تا خوب شود ولی این مسئله امری نیست که قانونی باشد اولاً باید مردم خودشان احساسات پیدا کنند و مملکت خودشان را آباء کنند و صنایع مملکت خودشان را ترقی بدهند تا بنای این مسئله مربوط بقانون استخدام نیست که اگر فرضاً لباس ایرانی بپوشد خوب کاری کند و اگر نباشد بد کاری کند یا با گذر خوب می نویسد اینها هیچ مربوط بقانون استخدام نیست و اگر بنا شود باید یک قانون علیحده بنویسند و تمام را هم نباید منحصر به مستخدمین کشور کرد و اختصاص بآنها داد و گفت دیگران لازم نیست این یک چیز فطری است و اگر بنا باشد یک همچو قانونی وضع کنند مربوط بقانون استخدام نیست و من یک ماده پیشنهاد کرده ام که الان می - خوانم  
( باید پس از انتقاء یکسال از تصویب قانون استخدام عموم وزراء و معاونین آنها و نمایندگان مجلس شورای ملی و مستخدمین دربار سلطنتی و کلیه مستخدمین کشوری و لشکری و قضات و معلمین و کسانی که از مالیه دولت بعنوان شهریه یا مستعمری و غیره چیزی دریافت می دارند غیر منسوجات و منسوجات ایران از کفش و کلاه و عصا و سایر منسوجات استعمال نکنند )  
**دلیلیش** هم این است که مستخدمین پول می گیرند اینها هم بیشتر پول می گیرند و بایستی بپوشند  
**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )  
**حاج شیخ اسدالله** - در هر موقعی که موقع بدست می آید برای خدمت باقتصاد این مملکت آقایان و نمایندگان عرض اینکه در آن موقع یک استفاده کرده و یک خدمتی باین مملکت بکنند بقدری در اطراف آن موضوع صحبت میشود که بالاخره اصل موضوع و موقع استفاده از دست می رود بنده در نظر

دارم چندی بیش از طرف تجار این مملکت که بیشتر استفاده از تجارت خارجی را آنها می کنند خودشان داوطلبانه پیشنهادی بمجلس شورای ملی تقدیم کردند که مجلس تصویب کند آن چیزهایی که فضولات زندگانی است یعنی آن اشیاء تجلی که وارد این مملکت می شود مجلس رأی بدهد که جلوگیری بشود و دیگر این قبیل اشیاء وارد مملکت نشود در آن موقع که این پیشنهاد از طرف تجار رسیده به بنده همین مطلب را تذکر دادم که راپورت آن را به مجلس بیاورند و مجلس این پیشنهاد را که تجار کرده اند تصویب کند اگر آن موقع تصویب شده بود تا کنون بعقیده بنده یک خدمت بزرگی باین مملکت شده بود متأسفانه نمی دانم چه چیز پشت پرده بود ( انشاء الله که چیزی نبوده ) که این پیشنهاد بچاه و بلی فرو رفت و ما موفق نشدیم که این تصمیم را اتخاذ کنیم حالا آمدم راجع باین پیشنهادی که شده در خصوص یک مطلب ساده که مستخدمین دولتی لباس وطن بپوشند بنده تصور می کردم تمام آقایان با یک خوشوقتی این پیشنهاد را بپذیرند و این پیشنهاد پس از پذیرفته شدن رفت بکمیسیون که کمیسیون هم در این باب نظری بکنند حالاً که بر گشته آقا اظهار می فرمائید بلی موافقت و باید یک تصمیمی اتخاذ کنیم ولی این مربوط بقانون استخدام نیست بنده هم از نقطه نظر فلسفه و قانون گذاری این قضیه را مربوط بقانون استخدام نمی دانم امامی گویم چرا مادراین قانون این پیشنهاد را کردیم ؟  
برای این بود که ما موقع دیگری در دست نداشتیم که این پیشنهاد را بکنیم و ممکن است بماده پیشنهادی آقای زنجانی هم رأی بدهیم و بالاخره یک پیشنهاد کلی بکنم که با استعمال البسه وطنی دیگر احتیاج بخارجه پیدا نکنیم و آن قانون دیگری است ولی عجالاً این یک قدمی است که مجلس شورای ملی می تواند بردارد برای این که نشان بدهد می شود قانونی وضع کرد که شامل تمام افراد مملکت بشود و این پیشنهادی که آقای زنجانی کردند که وزراء و معاونین و و کلاه شهریه بگیرا و کلیه مستخدمین را شامل بشود این هم بسیار خوب است که همه بالاخره آنها را در صحراها هستند باید لباس وطن بپوشند این بد نیست ولی یک سنگی است این پیشنهاد آقای زنجانی جلوی این مطلب و این اراده ما را می گیرد  
( یک نفر از نمایندگان - سنک نیست مرام است )  
سلیمان میرزا - سنک آن پیشنهادی است که شما کردید در قانون استخدام و جلوی اجرای این قانون را می گیرد  
**حاج شیخ اسدالله** - بنده این پیشنهاد

دوره چهارم



را هیچ سنک نمی بینم که در جلوی قانون استخدام بیفتد زیرا یکجمله معدودی از مستخدمین دولت هستند که هم تفتیش آن ها سهل است و هم رسیدگی به آن سهل می باشد و همه قسم ممکن است عملی بشود ولی وقتی که نباشد بگوئیم تمام مستوری بگیرها که چهل هزار نفر میباشند که از آنها يك هده زاید زن و دختر در تهران و خراسان و هرستان و سایر نقاط هستند آیا آنها را دولت میتواند تفتیش کند یا نه ؟

آیا این عملی است ؟ اگر دولت بتواند تفتیش کند و موفق باجرای آن بشود البته کمال آمال و آرزوی بنده است ولی از نقطه نظر اینکه این مسئله عملی نیست و دولت نمی تواند تفتیش کند از این جهت این را عملی نمی دانم و آن پیشنهادی را که در جلسات قبل محل توجه قرار دادند آن را عملی می دانم و تصور می کنم خیلی ساده و سهل باشد و بالاخره این را يك کمکی نسبت به مستخدمین می دانم و يك خدمت بزرگی است که مجلس شورای ملی نسبت به مستخدمین می کند و خود مستخدمین هم عقیده شان غیر از یکجمله معدودی می گوید حتماً کفش ما از اول کارخانه آمریکا یا لندن یا سوئیس باشد ما بقی نوها این عقیده را دارند ولی برای این که در مقابل رقابت و همچشمی که در ادارات معمول است با زحمت زیاد يك البسه تهیه می کنند و بالاخره وقتی که دیدند تمام مستخدمین لباس شان از کفش و کلاه و همهمه و سایر چیزها از منسوجات وطنی است طبعا از آن ترتیبات و رقابت ها چشم می پوشند

عرض کردم همه چیز باید وطنی باشد حتی همامه و معین که در عدله یا سایر ادارات هستند باید همامه شان هم وطنی باشد مثلا بنده که در عدلیه کار می کنم همامه هم باید از پارچه بزدی باشد چه هیب دارد که سرم بگذارد ؟

عقیده ام این است پس از اینکه باین پیشنهاد رأی دادیم در عقب این رأی همین طوری که پیشنهاد شده است آن لایحه تجاریرا از کمیسیون فوائد عامه با قوه مقننیه بیرون بکشیم و بیاریم و رأی بدیم بلکه در این آخردوره چهارم مجلس شورای ملی بالاترین خدمت را با اقتصاد این مملکت کرده باشیم چون این يك خدمت بزرگی است هم نسبت به مملکت هم نسبت به ملت

نایب رئیس - آقای شاهزاده محمد هاشم میرزا موافقت؟  
محمد هاشم میرزا - بلی موافقم  
نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی چه طور؟  
حاج میرزا مرتضی - موافقم  
نایب رئیس - آقای رفعت الدوله ( اجازه )

رفعت الدوله - بنده مخالف نایب رئیس - بفرمائید  
رفعت الدوله - بنده اساساً این مقصود را مقدس می دانم و البته برای مملکت فایده دارد ولی يك شرایطی هم دارد اولاً می خواهم ببینم برای مستخدمین بیچاره چرا باید این انحصار شود اول باید وزراه و کلاه این کار را بکنند بعد مستخدمین دربار سلطنت و هیئت دولت چرا مستخدم بیچاره ابتداء این کار را بکنند اگر بشوایند اینکار را بکنند باید ابتدا دولت کارخانه تهیه کند که اگر مردم محتاج بیوشیدن کرباس شدند همان طور که آقای تدین گفتند می گوید ذریع بیخ قران .

برای این که مسلم است که ناخن نمی تواند مثل ماشین کار کند و این در تمام دنیا ثابت است بجهت چرا برجمی تمهیل بکنیم اول باید ماو کلاه این کار را بکنیم بعد وزراه بکنند بعد مستخدمین بکنند . اگر می خواهید ملاحظه اقتصاد را بکنید امروز سی کرور قند و شکر بمصرف میرسد قند و شکر نخورید خرما و کشمش باجای بشورید تمهید می کنم تمام منسوجات که ایران استعمال می کند بسی کرور برسد پس نباید فقط به مستخدمین تمهیل بکنیم مگر وزراه حقوق نمیگیرند که بگوئیم فقط مستخدمین کرباس بیوشند و بنده این کار را خوب می دانم ولی نه اینکه از طبقه پایین شروع نمایند و باید از طبقه اول که وزراه باشند شروع بشود

محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای جلیل الملك اظهار داشتند خیلی مختصر بود و هیچ اشکالی هم ندارد اولاً این مسئله جزو شرایط نیست و جزو وظایف است و چون وظایف معین می کنند این يك وظیفه است و چون اهمیت داشت از نظامنامه بیرون آورده و جزو قانون محسوب کردیم و این که می فرمایند مربوط به بیخ کدام از مواد و ابواب نیست هیچ منافاتی ندارد و ممکن است اگر بیخ باب است ۶ باب شود و جزو باب ششم نوشته شود و شرط نشده است که حتماً این قانون يك حد معین داشته باشد اما پیشنهادی که آقای زنجانی نمودند و فرمایشاتی نمودند و فرمایشاتی که در این زمینه آقای رفعت الدوله فرمودند که باید اول وزراه و کلاه بیوشند عرض می کنم اثبات شیخی نفی ماعد نمی کند مگر امروز مستخدمین دولت لباس نمی پوشند معنی آن این است که وزراه و کلاه و اعضای دربار بیوشند

آقایانی که اینجاست پیشنهاد بکنند و مطابق سایر طرحهای قانون بکمسیون بفرستند و بعد از آنکه در مجلس شورای ملی و کسانیکه از مالیه دوات بعنوان شهری به ما مستوری و غیره ها چیزی دریافت می دارند مصنوعات و منسوجات ایران از کفش و کلاه و همامه و سایر ملبوبات استعمال نکنند ارزش دارد

یکی از نمایندگان - صحیح نیست .  
محمد هاشم میرزا - البته هر کدام که می فرمائید صحیح نیست در موقع پیشنهاری کنید و بنظر بنده گمان می کنم این مسئله از نقطه نظر اقتصادی بگردد که است و از محسوسات اولیه است و هم ما هم می دانیم در مملکت ما باین فقره می یولی و باین ترتیبی که هست هر يك شاهی و يك قرانی که از مملکت ما خارج شود و بهتر است یکی از اطباتی را که در دوره ناصرالدین شاه آورده بودند نسهه را که نوشته بود بالمانی نوشته بود باو گفتند در این جا آلمانی نیست جواب داده بودند که شاید در این جا يك آلمانی پیدا شود و نفع این آلمانی برسد چرا فرانسه بنویسیم که نفع آن را فرانسوی ببرد خارجی ها تا این اندازه دقت می کنند که بکفران هم به هموطن خودشان برسد ما هم اگر تا این اندازه دقت کنیم خوب است سالی چندین کرور از مملکت ما برای ملبوسات خارج نخواهد شد و منافع رفقا و هموطنان ما خواهد افزود معروف است آخوند ملا عبداللیم

علی آبادی که از علماء معروف است خیلی علاقه داشته اند بملبوس وطنی از ایشان استقتانی شده بود که لباس خارجی را مگر احتیاط می کنند فرمودند من از نظر فتوی چیزی نمی نویسم ولی چون این لباس ها را دوستان و هم عقاید من بافته اند من آنها را ترجیح می دهم اما در موضوع فتوی من فتوائی ندارم البته يك نظر این است که انسان با طبیعه میل دارد از اشخاصی که با آنها دوست است لباس ببرد البته بهتر است ولی از نقطه نظر عقیده شناسی بعضی اگر نسبت وطنیت بکلیه کره ارض داده شود دیگر برای این رایورت موضوعی باقی نمی ماند و الامادام که قائل بر وطنیت با همیم این مسئله را باید توضیح بدیم

نایب رئیس - آقای دست فیب مغالید ؟  
دست غیبی - خیر موافقم  
نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این ماده العاقبه که پیشنهاد شده است بکرتبه می خوانم . باید پس از انقضای يك سال از تصویب این قانون استخدام عموم وزراه و معاونین آن ها و نمایندگان مجلس شورای ملی و مستخدمین دربار سلطنتی و کلیه مستخدمین کشور و لشکری و قضات و معلمین و کسانیکه از مالیه دوات بعنوان شهری به ما مستوری و غیره ها چیزی دریافت می دارند مصنوعات و منسوجات ایران از کفش و کلاه و همامه و سایر ملبوبات استعمال نکنند

سلیمان میرزا - اینجاست ملبوس بطور مطلق نوشته شده است بنابراین حق دارم بسیار خوب این ماده رجوع شد بکسیون استخدام هر چه دقت کردیم و خواستیم بجزه یکی از ابواب قانون استخدام ضمیمه کنیم دیدیم هیچ مربوط نمی شود برای اینکه قانون استخدام هیچ مربوط به لباس نیست و اگر از نقطه نظر اقتصادی بگردد که است و از محسوسات اولیه است و هم ما هم می دانیم در مملکت ما باین فقره می یولی و باین ترتیبی که هست هر يك شاهی و يك قرانی که از مملکت ما خارج شود و بهتر است یکی از اطباتی را که در دوره ناصرالدین شاه آورده بودند نسهه را که نوشته بود بالمانی نوشته بود باو گفتند در این جا آلمانی نیست جواب داده بودند که شاید در این جا يك آلمانی پیدا شود و نفع این آلمانی برسد چرا فرانسه بنویسیم که نفع آن را فرانسوی ببرد خارجی ها تا این اندازه دقت می کنند که بکفران هم به هموطن خودشان برسد ما هم اگر تا این اندازه دقت کنیم خوب است سالی چندین کرور از مملکت ما برای ملبوسات خارج نخواهد شد و منافع رفقا و هموطنان ما خواهد افزود معروف است آخوند ملا عبداللیم

بسیار خوب این ماده رجوع شد بکسیون استخدام هر چه دقت کردیم و خواستیم بجزه یکی از ابواب قانون استخدام ضمیمه کنیم دیدیم هیچ مربوط نمی شود برای اینکه قانون استخدام هیچ مربوط به لباس نیست و اگر از نقطه نظر اقتصادی بگردد که است و از محسوسات اولیه است و هم ما هم می دانیم در مملکت ما باین فقره می یولی و باین ترتیبی که هست هر يك شاهی و يك قرانی که از مملکت ما خارج شود و بهتر است یکی از اطباتی را که در دوره ناصرالدین شاه آورده بودند نسهه را که نوشته بود بالمانی نوشته بود باو گفتند در این جا آلمانی نیست جواب داده بودند که شاید در این جا يك آلمانی پیدا شود و نفع این آلمانی برسد چرا فرانسه بنویسیم که نفع آن را فرانسوی ببرد خارجی ها تا این اندازه دقت می کنند که بکفران هم به هموطن خودشان برسد ما هم اگر تا این اندازه دقت کنیم خوب است سالی چندین کرور از مملکت ما برای ملبوسات خارج نخواهد شد و منافع رفقا و هموطنان ما خواهد افزود معروف است آخوند ملا عبداللیم

از مستخدم اداره صحت عمل و درستی می خواهند تمهیل و مطالب اخلاقی اقتصادی انحصار به مستخدم ندارد ولی يك مسئله عمومی است حالا فرضاً هم که بشوایید این را اختصاص باهضاه ادارات بدهید باین ترتیبی که نوشته شده است که مستخدم باید در اوقات کار لباسش از پارچه وطنی باشد هر وقت می خواهد اداره برود آنرا می پوشد و ممکن است باین طریق آن یکدست لباسی را ده سال هم نگاهدارد برای اینکه آزادی اشخاص را که نمی شود از دستشان گرفت اما آدمی هم سراسر این مسئله که میفرمایند حضرت و الاحرفشان غریب است و میفرمایند این مسئله راجع به حب الوطن است بسیار خوب مگر کسی در اصل و هویدین امته داخلی اشکال دارد که جناب عالی این فرمایش را می فرمایید این اشرف آقای وزیر نوشته است و سر تا با فرق لباس خارجه است آن وقت او يك پیراهن قصب و يك قبای قدك و يك کلاه نمند آنوقت خود این استهزاء نیست ؟

بنابراین اگر آقایان می خواهند اجبار به مستخدم بیچاره بکنند این اقدام را اول خودشان بکنند و تا یکماه دیگر لباس خودشان را از همامه و کلاه و غیره را تمام از پارچه های وطنی بکنند وقتی که اینکار را کردید و امتحان دادید که غیر از منسوجات وطنی پوشیده اید . . .

آقا سید فاضل - همین فردا .  
سلیمان میرزا - ولی اگر بشواییم این ماده العاقبه را ضمیمه بقانون استخدام کنیم آن وقت هر مستخدمی که زحمت کشیده با این ترتیب ممکن است وزیر او را خارج کند و بگوئید برخلاف ماده این قانون رفتار کرده است و اگر هم از او سؤال کنیم می گوید در روز که آمد با اداره کفش برقی یا گروه بود بنابراین مطابق ماده العاقبه قانون دستش را گرفت و از اداره خارج کرد .  
بنده هم که میشنوم نبوده ام که به بینم حق میگویند یا نه ؟

این است که بنده عرض می کنم این ماده عملی نیست بنابراین این با کفتم اینککه سنك جلو ترویج متاع داخله میکنند ما که طرف مقابل هستیم از میدان در نمیرویم و باصطلاح امروز هونتی شویم مستخدمین ادارات را نمی شود در فشار گذارد و باین ترتیب نمی شود حقوق مستخدمین را تأمین کرد و به همین جهت بود که در جواب آقای حاج شیخ اسدالله عرض کردم شما سنك جلو قانون استخدام می گذارید و باین ماده قانون استخدام را بکنی لغو میکنید و برای بکنند مستخدم دیگر حقوق استخدام باقی نمی گذارند زیرا این ماده مستخدم تمام کارهای خدمات را با اختیار وزیر او گذار میکند در صورتیکه ما قانون استخدام را برای این می خواهیم که اختیارات وزیر را محدود کنیم که اشخاص نالایق وارد نکنند و اشخاص لایق را بدون تمهیل خارج ننمایند و برای این است که کمیسیون با این ماده مخالف است که می گوید قانون می دهد دست وزیر که هر ساهتی که می خواهد پسر هموی خود را بیورد در عرض فوراً بوجوب يك رایورت مفتش يك نفر دیگر را باسم این کس در اداریش لباس وطنی نبوده خارج نماید آن وقت چه می توان گفت ؟ وقتی هم که از وزیر سؤال کردیم جواب می دهد مطابق قانون عمل شده تازه اجرای قانون کرده است و مثل سایر قوانین این ماده که برله خودش میباشد زود اجرا می کند بنا بر این این ماده برای فایده مستخدمین نیست بلکه بر ضرر مستخدمین است این ماده را که آقایان می فرمایند روح قانون است خیر چنین نیست این ماده گذشته تمام اعضاء ادارات است این ماده بوزراه اختیار می دهد که بیل فعال مایشانی هر که را می خواهند از ادارات خارج کنند حالا می خواهید این مطلب را تصدیق کنید من دفاع می کنم و اگر تصدیق کنید مثل سایر رأی هائی است که برخلاف داده اند .

آقا سید فاضل - رأی هائی که داده اید خوب بود .  
سلیمان میرزا - بنابراین محتاج باین حرارتهای نیست و تاریخ زندگانی هر کس در خارج هست و عرض می کنم به همشیر وطن پرستی و وطن پرستی سلیمان میرزا موئی فرق نخواهد کرد . . .

آقا سید فاضل - همه وطن پرستیم  
سلیمان میرزا - اگر وطن پرست نبودیم اینجا چکاری کردیم بنابراین عرض می کنم اظهار و اثبات وطن پرستی و کفتم حب الوطن جواب حرفهای بنده نمی شود که ما را قانع کند ولی در اصل قضیه بنده و سایر مخالفین موافقیم ولی بطور عملی چنانکه اگر در روزنامه های تربیت مرحوم ذکا الملک را آقایان مطالعه فرموده باشند در آنوقت این پیشنهاد را داده بود که يك ترتیبی برای پارچه های وطنی بدهند و یکی از

اشخاصی که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بودم و ترتیب نمایشگاه وطن ( ا کسپوزیسیون ) نوشته بود و در ضمن هم نوشته بود اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیده و در سلام نطق فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سعادت خود می دانم بنابراین همه باید تأسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تأسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

دیدم بغواب خوش که بدستم بیاله بود تمهیل رفت و کار بدولت حواله بود اگر بشواییم این مسئله عملی بشود باید ابتداء از دولت شروع کرده و بعد ما و کلا بیوشیم تا دیگران هم با تأسی کرده و آنها هم بیوشند و الا کسی که صبح خرما خورده نمی تواند دیگران را از خوردن خرما منع کند و در این صورت عرض می کنم خوب است آقایان مخالفین در صورتی که در اصل موضوع بهیچ وجه مغالفتی در بین نیست آنها هم عوض اینکه مخالفت میکنند مساعدت نمایند که ابتداء از قانون استخدام خارج شده و يك ماده واحده منقول جامع الاطرافی پیشنهاد بشود که همه ما با اتفاق آراء در آن رأی بدیم که کم اثرش بیشتر و هم متمن منسوجات وطن ترویج باید زیرا توسط پنج شش هزار نفر اعضاء ادارات که آنها را مجبور کنیم حتماً لباس وطن بیوشند آنطور که ما می خواهیم منسوجات وطن ترویج پیدا نمی کنند ولی اگر آقایان مساعدت بفرمایند يك ماده مستقلاً در این باب پیشنهاد شود به عموم اشخاصی که از صندوق دولت استفاده می کنند باید تا یکسال دیگر لباس وطنی بیوشند و البته این ترتیب خیلی بهتر و عملی تر و منسوجات وطن را بیشتر ترویج می کند خوب حالا این از نقطه نظر اقتصادی این پیشنهاد بهتر است یا آن پیشنهادی که فرموده اند . البته این بهتر است و مقصود آقایان را بعد کمال می رساند و آن مطالب را که بنده خیال میکنم و سوء ظن دارم آنها را هم رفع می کند در مملکتی که مدعی العموم را که مصون از تعرض است با نوك یا از عدلیه خارجش می کنند در آن مملکت ثباتش را نمی توان هر دقیقه خارج کرد . پس در يك مملکتی که مدعی العموم را که حکم قاضی است عذر بشوایند . . .

نصرت الدوله - قاضی نیست  
سلیمان میرزا - ولو اینکه حق

حقوق میگویند یا نه ؟  
سلیمان میرزا - یا سیصد تومان حقوق بمدر کل بدهند بایستی اینها این شرایط را داشته باشند آن کسی که ماهی پنجاهار تومان حقوق می گیرد آزاد و عمومی است حالا فرضاً هم که بشوایید این را اختصاص باهضاه ادارات بدهید باین ترتیبی که نوشته شده است که مستخدم باید در اوقات کار لباسش از پارچه وطنی باشد هر وقت می خواهد اداره برود آنرا می پوشد و ممکن است باین طریق آن یکدست لباسی را ده سال هم نگاهدارد برای اینکه آزادی اشخاص را که نمی شود از دستشان گرفت اما آدمی هم سراسر این مسئله که میفرمایند حضرت و الاحرفشان غریب است و میفرمایند این مسئله راجع به حب الوطن است بسیار خوب مگر کسی در اصل و هویدین امته داخلی اشکال دارد که جناب عالی این فرمایش را می فرمایید این اشرف آقای وزیر نوشته است و سر تا با فرق لباس خارجه است آن وقت او يك پیراهن قصب و يك قبای قدك و يك کلاه نمند آنوقت خود این استهزاء نیست ؟

قضات داشته باشد یا نداشته باشد آنوقت ملاحظه می فرمائید که خارج کردن اجزای جزء به جزء آسانی خواهد بود پس می بینم هنوز که بهانه در دست طرف نداده ایم فعال مایشانی می کند چه رسد بوقتی که يك همچو ماده بگذرانیم این است که بنده وظیفه خود را دانسته و تمسک را می کنم که اگر ابتداء بگذرد تمام زحماتی را که اجزای در اداره کشیده بن نتیجه نخواهد ماند هر وقت يك وزیر یکی از اعضاء را نخواست دست او را می گیرد و از اداره بیرونش می اندازد و هر وقت هم که سؤال شود میگوید چون لباس وطن پوشیده بود او را خارج کردیم بنابراین آن پیشنهادی که آقای زنجانی فرمودند خوب است همان را آقایان بطور طرح قانونی قبول کرده و در اوصحبت کنند آن وقت هم سوء ظن بنده رفع شده و هم بطور عموم هر کس که باید از این مملکت استفاده می کند مجبور خواهد بود لباس وطنی بیوشد و بنده با آن کاملاً موافق خواهم بود .

ولی با این ترتیب اگر این ماده ضمیمه قانون استخدام شود بنده عرض می کنم يك قسمت از اعضاء ادارات را خارج خواهند کرد .  
نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل ( اجازه )  
آقا سید فاضل - بنده اول معض رفع شبهه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا که می فرمایند اگر این ماده العاقبه تصویب شود تمام مستخدمین را هریان و تفتیش خواهند کرد عرض می کنم که پیشنهادی کرده ام که بعد ملاحظه خواهند فرمود حالاً هم توضیحاً عرض می کنم که مراد از لباس کفش و کلاه و لباده و همامه و شلوار و از این قبیلها خواهد بود .

( در این موقع شاهزاده سلیمان میرزا و چند نفر از نمایندگان اقلیت از مجلس خارج شدند )  
آقا سید فاضل - شاهزاده سلیمان میرزا که رفتند ولی بعد هریان مراد روزنامه ملاحظه خواهند کرد معروف است ( چون عده کافی نبود جلسه ختم شد )  
رئیس مجلس - مؤتمن الملك جلسه ۱۷۶

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه چهارم فوس ۱۳۰۱ مطابق ششم ربیع - الثاني ۱۳۴۱ ( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید )  
صورت مجلس یوم شنبه - و م فوس را آقای نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )  
محمد هاشم میرزا - بنده در